



«کاهش مالیات حقوق گمرکی کالاها ی اساسی» به چه مناسبت؟

علی بهادری جهرمی سخنگوی دولت روز چهارشنبه ۲۹ فروردین ۱۴۰۳ گفت: «دولت برای حمایت از تأمین کالاها ی اساسی مالیات ارزش افزوده و هم چنین حقوق گمرکی کالاها ی اساسی، اقلام دارویی، مواد اولیه تأمین دارو و نهادهای دامی را به ۱ درصد کاهش داد و این کاهش از ابتدای فروردین اعمال خواهد شد.» ادامه در صفحه ۳



شکست مفتضحانه رژیم از مقاومت و مبارزه

گسترش یابنده زنان ادامه در صفحه ۲

گروه هماهنگی برای تبادل تجربیات کارگران بین‌المللی بندر



روتردام / هامبورگ
آوریل ۲۰۲۴: درود به همه کارگران
بندر در سراسر جهان!

همکاران عزیز

همیشه اول ماه مه روز ویژه‌ایست. روز مبارزه طبقه کارگر در سراسر جهان است و کارگران بندر اغلب در مبارزه به خاطر محل کار، ادامه در صفحه ۵

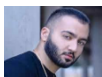
فقر موقت - فقر نهادینه شده

بی عدالتی و عدم تساوی در تقسیم نعم اجتماعی ذاتی نظام سرمایه‌داری است.

در کشورهای پیشرفته سرمایه‌داری که اقتصادشان نه بر مبنای فرآورده‌های خام زمینی بلکه بر مبنای تولید کالاها ی صنعتی شکل گرفته است، استثمار بسیار شدیدتر از کشورهای دیگر سرمایه‌داری است

ادامه در صفحه ۴

اول ماه مه ۲۰۲۴ - طبقه کارگر و مبارزه با فاشیسم



نامه رسول بدایق معلم زندانی از زندان اوین برای توماج صالحی

زنده باد هنر،
زنده باد ایستادگی،
زنده باد اندیشه زنده باد هنر ایستادگی در میدان اندیشه،
زنده باد توماج توماج دلاور،
سال‌هاست دریچه‌ای به روی ادامه در صفحه ۷

اول ماه مه روز جهانی طبقه‌ایست که رسالت‌اش در هم کوبیدن سرمایه‌داری و برقراری سوسیالیسم و دیکتاتوری پرولتاریا در جهان است.

این طبقه بر خلاف بی صبری و ناشکیبائی خرده بورژوازی، گام به گام، هر گام با تفکر و نوسازی قدم بر میدارد. در این نوشته ما گام‌های عملی این طبقه را ادامه در صفحه ۵



نای آزادی کند چون نای نوای انقلاب

نای آزادی کند چون نای نوای انقلاب
باز خون سازد جهان را نینوای انقلاب
انقلاب ما چو شد از دست ناپاکان شهید
نیست غیر از خون پاکان خون‌بهای انقلاب
اندرین طوفان خدا داند که کی غالب شود
ناخدای ارتجاعی یا خدای انقلاب
تا تو را در راه آزادی تن صد چاک نیست
نیستی در پیش یاران. تمام شعر در صفحه ۹

تحریف تروتسکیستی رویدادهای تاریخی

نویسنده: علی رسولی
این مطلب هم ممکن است که دفتر سیاسی بیم داشت، من در خارجه با اپوزیسیون سیاسی رابطه‌ی محکم‌تری برقرار سازم. در هر حال پس از مشورت با دوستانم، تصمیم به سفر گرفتم». تروتسکی پس از توضیح چگونگی اقامت‌اش در برلین و در بیمارستان، می‌نویسد که یک هفته پیش از بازگشت به مسکو، متوجه می‌شود که بیمارستان در محاصره پلیس درآمده است و علت این که: «پس از چند دقیقه ادامه در صفحه ۸



شکست مفتضحانه رژیم از مقاومت و مبارزه گسترش یابنده زنان

گشت ارشاد دوباره به کار افتاد تا زنان دیگری را از سلاله قهرمانان کشورمان قربانی کند. خیابان‌های شهرهای ایران در ۲۵ فروردین ماه ۱۴۰۳ دوباره جولانگاه کفتاران رژیم جمهوری اسلامی گشت، دوباره فشار و ارباب با شدت بیشتری بر زنان و نیز مردان این مرز و بوم فرود آمد. به هزاران زن شجاعی که از دندان‌های این کفتاران هراسی به دل راه نمی‌دهند، اخطار داده و صدها تن را نیز به بند کشیده‌اند، ولی خیابان‌ها مملو از زنان بی حجاب اسلامی است که بیرهای کاغذی را به مصاف می‌طلبند.

با وجود این که مقاومت مهسا امینی و جان باختن او در جنبش زنان نیرو و انرژی بسیار دمید ولی مقاومت زنان ایران نه از زمان حاکمیت جمهوری اسلامی، بلکه از ده‌ها سال پیش از آن شروع گردید. از زمان فاشیسم پهلوی زنان با ایستادگی تا پای جان قهرمانان سترگی به مانند مرضیه احمدی اسکویی، وفا جاسمی و مهوش طوافچیان که از دل مبارزات توده‌های کار و زحمت و جنبش کمونیستی سر برآورده بودند، گام‌های بلندی در سمت آگاهی طبقاتی برداشتند و در عمل نقش حیاتی پیوند با جنبش کارگری را بهتر از سابق درک نمودند. آنها نه تنها مقاومت قهرمانانه را به زنان میهن ما آموختند بلکه به لحاظ تئوریک - سیاسی نیز جنبش زنان را گام‌های اساسی رشد داده و به سمت چپ هدایت کردند.

جنبش زنان علیه قوانین قرون وسطائی رژیم اسلامی از شهریور ۱۴۰۱، اوج نوینی یافت و همراه جنبش کارگری، پس از لمح‌های درخشش خیره کننده، گامی به عقب برداشت ولی با سرعت دوباره برخاست و اعتراض‌اش را با قدرت بیشتری از سر گرفت.

به موازات گسترش آشکار جنبش زنان علیه همه نابرابری‌های اجتماعی، منجمله

علیه پوشش اجباری، رژیم نیز پر توحش و خونین علیه این جنبش نیروهای سرکوبگرش را سازمان داد.

همه این بگیر و ببندها علیه زنان و راه اندازی دوباره گشت ارشاد، حتی از نظر قوانین پوسیده خود رژیم، بی اعتبار است. هنوز قوانین آن در مجلس اسلامی تصویب نگشته است. به بیان دیگر کار مأموران دولت و گشت ارشاد حتی نسبت به قوانین خود جمهوری اسلامی غیر قانونیست.

چرا رعایت حجاب اسلامی برای رژیم ایران تا این اندازه مهم و حیاتی است که نسبت به آن هیچ نرمشی نمی‌تواند داشته باشد؟

۱- با ظهور مارکسیسم، تمام جریانات ایدئولوژیک - سیاسی بورژوازی و خرده بورژوازی از اعتبار ساقط شد، رسالت خود را از دست داد و به پدیده‌ای بازدارنده تبدیل گردید. به ویژه زمانی که این جریان عقب مانده و پوسیده، لباس مندرس مذهب بر تن می‌کند و در پله تقدس می‌ایستد، هر حرکت مثبت، هر حرکت پیش رونده، هر کشف علمی، هر تظاهر آزادمندی و تمدن، این ایدئولوژی را خطر پرتاب شدن به دره عمیق مرگ و نیستی تهدید می‌کند.

بورژوازی غیر از انقلابی کردن ابزار تولید که در خدمت سود آوری بیشتر آن است، هیچ انقلاب دیگری را تحمیل نمی‌کند. (همین بورژوازی از انقلابی‌تر شدن سریع ابزار تولید نیز وحشت دارد. به همین جهت است که برخی اختراعات را می‌خرد و در کشوی مؤسسه و یا کارخانه‌اش آن را دفن می‌کند) بورژوازی مذهبی ایران به دلیل شرایط خاص اقتصادی - سیاسی جامعه به علت این که اساساً بر درآمدهای غیر مولد، تکیه دارد، نه لزومی بر انقلابی کردن ابزار تولید می‌بیند و نه ضرورتی در رسیدگی به معیشت تولید کننده .

لذا با اخراج زنان از پروسه تولید و مجبور کردنشان به کار خانگی، هم از معضل کارآفرینی قدری راحت می‌شود و هم آن‌ها را به کار بی مزد در خانه وامی‌دارد.

زنان کشور ما این ایست و حشمتناک تاریخ را از همان آغاز قدرت‌گیری اسلامی نپذیرفتند، در ابتدا خود جوش و میلیونی و پس از سرکوب آن، جنبش زنان در ابعاد سراسری ولی در بدنه جنبش‌های اجتماعی مبارزه آشتی ناپذیر خود را به پیش برده و می‌برند و بدین ترتیب ناقوس مرگ رژیم را تا به امروز به صدا درآورده‌اند.

۲- آن جناحی از بورژوازی حاکم که قدرت اصلی را در دست دارد، نماینده پلیدترین و خونخوارترین قشر این طبقه است؛ نماینده بورژوازی تجاری مدرن ایران.

این بورژوازی برای کسب سودهای میلیاردی می‌بایست صنایع داخلی را ورشکست کند تا بتواند کالاهای مورد نیاز داخلی را وارد نماید. لذا تعدادی از کارخانجات صنعتی از بین رفته و باقیمانده‌ها با ظرفیت‌های بسیار پائین کار می‌کنند و دائماً در خطر ورشکستگی هستند. از این جهت زنان به عنوان حاملین نیروی کار، با وجود ارزان بودن آن، باید از کارخانجات و جامعه رانده شوند. این سمت و سوی اقتصادی - سیاسی باعث اتخاذ سیاست‌های شدیداً محدود کننده می‌گردد که همیشه به سرکوب‌های خونین علیه زنان می‌انجامد.

۳- ایدئولوژی اسلامی، زن را نیمه انسان می‌داند (مرد انسان کامل است و زن نیمه انسان) لذا هر حرکت زنان در اثبات انسان کامل بودن و مبارزه برای گرفتن حق کامل خود، کل سیستم اسلامی در مورد انسان را زیر سؤال می‌کشد، پوچ بودن آن را می‌نمایاند و توده‌های ناآگاه را آگاه کرده و از حیطة نفوذ بورژوازی خارج می‌سازد.

۴- سنت به جا مانده و فسیل شده پیامبر اسلام. این مرد ۱۷ زن را همچون اسیر در خانه نگهداشت و به بسیاری از زنان اسیر در جنگ‌ها، تجاوز کرد. از نظر او، زن باید حرف شنو و گوش به فرمان باشد. لذا زنی که نافرمان و خودرأی باشد باید مجازات شود. یک رژیم که می‌خواهد اسلام ناب محمدی را دوباره در جامعه احیا کند، می‌بایست زنان

«کاهش مالیات حقوق گمرکی کالاهای اساسی» به چه معناست؟

(تسنیم - ۲۹ فروردین ۱۴۰۳)

او در مورد تشکیل وزارت بازرگانی افزود: «نظارت مؤثر بر بازار، جلوگیری از افزایش قیمت‌ها و نظارت پذیر کردن بازار مستلزم تمرکز در حوزه نظارت بر بازار است. ما بارها این را مطرح کردیم و نگاه دولت این بوده است... دولت ... لایحه‌ای برای تشکیل وزارت بازرگانی تقدیم مجلس کرده است.» (همانجا)

در یک نگاه سطحی، به نظر می‌رسد رژیم فاشیستی ایران علیه گرانی گام‌هایی بر می‌دارد. دلسوز شده است. غم مردم را دارد.

اما این‌ها همه عوامفریبی و پرده پوشی اعمال سیاستی‌ست که بورژوازی حاکم بتواند انبان خالی اکثریت مردم را خالی‌تر کند.

دولتی که می‌خواهد وضعیت معیشت مردم را بهبود ببخشد، در درجه اول به نوسازی صنایع‌ای می‌پردازد که بتواند مایحتاج و نیازهای اولیه مردم را از طریق تولیدات این صنایع برآورده سازد.

در جهت تحقق این امر دولت باید دو اقدام اساسی و عاجل انجام دهد: اول- دادن اعتبارات ارزی به صنایع برای گسترش و نوسازی آن‌ها و دوم- بالا بردن تعرفه گمرکی کالاهای وارداتی. تا از این طریق صنایع داخلی بتوانند کالاهایی تولید کنند که به لحاظ کیفیت و قیمت، بهتر و ارزانتر از کالاهای مشابه خارجی باشد. در ایران سیاست دولت کاملاً عکس آن چیزی‌ست که باید به حفظ و پشتیبانی صنایع داخلی و منافع اکثریت جمعیت ایران بیانجامد. در واقع سیاست دولت کاملاً ضد امنیت ملی است (در اینجا امنیت ملی به مفهوم پشتیبانی کامل از صنایع داخلی‌ست)

رژیم ایران برای تأمین منافع قشر حاکم بورژوازی (سرمایه‌داری تجاری مدرن) خواستار نوسازی و شکوفایی صنعت

داخلی ایران نیست. به همین جهت نیز به طور متوسط کارخانجات ایران با ظرفیت ۲۰ تا ۳۰ درصد کار می‌کنند، ماشین‌ها فرسود، مستعمل و ناکارآمد هستند، سرمایه‌داران با کارخانجاتشان از ایران می‌گریزند. در عرض ده سال ۵۰۰ میلیارد دلار سرمایه کارخانه‌ای از ایران گریخته است.

مصوبه دولت این است که از کالاهای وارداتی فقط ۱ درصد مالیات گمرکی بگیرند. اسم‌اش را هم می‌گذارند "جلوگیری از افزایش قیمت‌ها" ولی در حالی که از کالاهای خارجی وارداتی ۱ درصد مالیات گمرکی می‌گیرند، از کالاهای صنعتی داخلی ۲۰ تا ۲۵ درصد مالیات اخذ می‌کنند. این به مفهوم ورشکستگی کامل صنعت در ایران است. در نتیجه مصوبه مالیاتی جدید دولت، چیزی نیست جز بر باد دادن صنایع داخلی، هجوم بی رویه کالاهای خارجی، گران شدن این کالاها در پروسه بعدی، چپاول تمام و کمال اکثریت قاطع مردم و سرازیر شدن صدها میلیارد دلار به جیب شرکت‌های صادرات و وارداتی دولتمردان ایران. در اینجا بد نیست با واقعیات غیر قابل تردید رو به رو شویم:

- یک شرکت وارداتی، خودروی لوکس را از چین ۱۴ هزار دلار می‌خرد، و به قیمت ۴۰ هزار دلار به مردم می‌فروشد. (دکتر راغفر) به این ترتیب این شرکت از هر خودرویی ۲۶ هزار دلار سود می‌برد. دولت ایران نیز بی دریغ پشتیبان این شرکت وارداتی است. اگر دولت حتی همین قیمت را ثابت کند و برای هر خودرو ۲۰ درصد از وارد کننده مالیات گمرکی بگیرد. می‌تواند بخشی از بودجه خود را ترمیم کند ولی دولت تصمیم گرفته است از این وارد کننده فقط یک درصد مالیات گمرکی بگیرد.

- در سه سال پیش کارخانجات دارو سازی ایران می‌توانستند آن چنان تولید کنند که هزینه کل مصرف دارویی مردم ایران را در سطح ۸۰۰ میلیون دلار نگهدارند. اگر این شرکت‌های سازنده دارو از بین می‌رفتند و شرکت‌های

نافرمان و خود رأی را مجازات و گوشمالی دهد. وگر نه آن رژیم دیگر رژیم اسلامی ناب محمدی نیست.

این یکی از عواملی است که رژیم ایران فقط می‌تواند با آن عقب مانده‌ترین، کودن‌ترین و سیاه اندیش‌ترین انسان‌ها را به گرد خود بسیج کرده و علیه زنان در جامعه به کار اندازد.

۵- یکی از عواملی که دستان رژیم را در سرکوب زنان و مبارزات آنان باز می‌گذارد، این است که تمام کشورهای سرمایه‌داری چشم خود را به روی جنایات داخلی رژیم به ویژه در مورد زنان می‌بندند. آن‌ها با رژیم ایران در این موارد همبستگی و توافق نا نوشته‌ای دارند.

تهاجم اخیر علیه زنان و برپایی مجدد گشت ارشاد، نه تنها زنان، بلکه همه مردان آزاده و مترقی را به عصیان واداشته است. به کاراندازی مجدد ابزارهای سرکوب زنان، در واقع به کار اندازی مجدد ابزار سرکوب علیه اکثریت مطلق جامعه است. لذا پشتیبانی از مبارزات زنان امری همگانی گشته و مردان و زنان را علیه رژیم زن ستیز و فاشیستی ایران در کنار هم قرار داده است.

این مبارزه به علت حقانیت‌اش و به علت بالا رفتن روز افزون آگاهی زنان از خودشان، نیروهای نهفته در وحدت‌شان و از معضلات و نابسامانی‌های رژیم حاکم، شکست ناپذیر است. اگر امروز عقب نشینی کند، فردا با قدرت بیشتری سر بر می‌آورد و این حرکت موج‌وار، در هماهنگی با مجموعه مبارزات سرنگون طلبانه علیه بورژوازی به پیروزی خواهد انجامید.

پیشرفت هر انقلاب پرولتری به سطح آگاهی طبقاتی زنان و گستره شرکت آنان در انقلاب بستگی دارد

فقر موقت - فقر نهادینه شده

ولی فقر نهادینه نیست. با افت و خیز تولید سرمایه‌داری، سطح معیشت تولید کننده نیز افت و خیز می‌کند.

مثلاً در آلمان میلیون‌ها نفر در خط فقر زندگی می‌کنند ولی تعداد مردمان زیر خط فقر بسیار اندک هستند. با رشد تولید ناخالص ملی تعداد مردمان زیر خط فقر به بالای خط فقر می‌رسند و در شرایط برعکس تعداد خط فقری‌ها افزایش می‌یابد.

در برخی کشورها ساختار سرمایه‌داری به گونه‌ای است که فقر مطلق به شیوه زندگی شناخته شده اکثریت مطلق جامعه تبدیل می‌شود. مثل هند. در هند یک فقر نهادینه شده دویست ساله‌ای حکمفرماست. در حالی که هند به کشوری امپریالیستی تبدیل شده است ولی در این شیوه زندگی (فقر مطلق اکثریت) تغییری روی نداده است.

فقر در ایران

مرکز پژوهش‌های مجلس ایران در گزارشی اعلام کرده است که در سال ۱۴۰۱ بیش از ۲۵ میلیون نفر زیر خط فقر قرار داشتند. (اقتصاد آنلاین)

این یک دروغ فاحش است. تعداد کارگران و خانواده‌هاشان در همین سال بیش از ۵۴ میلیون بوده‌اند. همه آنها در زیر خط فقر زندگی می‌کردند.

خط فقر واقعی در سال ۱۴۰۰ حدود ۱۲ میلیون تومان تعیین شده بود، در حالی که مزد یک کارگر با خانواده سه نفره با مزایا به حدود ۶ میلیون می‌رسید در واقع در این سال کارگران ۲/۵ برابر پائین‌تر از خط فقر مزد گرفته‌اند. تعداد این کارگران با خانواده‌هاشان ۵۲ میلیون نفر تخمین زده می‌شود.

در سال ۱۴۰۱ شورای سازماندهی مبارزات کارگران قرار دادی نفت، خط فقر را ۳۰ میلیون تومان برآورد می‌کند.

در حالی که مزد یک کارگر متوسط صنعتی با خانواده سه نفره ۵ تا ۶ میلیون تومان بوده است. اگر تورم ۱۰۷/۵۵

درصدی (استیو هانکه اقتصاددان کاربردی اهل آمریکا) را نیز به حساب آوریم در می‌یابیم که ارزش مزد این کارگر به طور واقعی نه ۵ تا ۶ میلیون بلکه ۲ تا ۳ میلیون تومان است. یعنی در سال ۱۴۰۱ کارگران واقعاً حدود ۱۰ برابر زیر خط فقر بوده‌اند.

در سال ۱۴۰۱ تعداد کارگران ایران با سال ۱۴۰۰ تفاوتی نشان نمی‌دهد. ولی با فقر بیشتری دست به گریبانند.

اگر خط فقر را مقدار پولی حساب کنیم که هر فرد خانواده می‌تواند با آن ۲۴۰۰ کیلو کالری مورد نیاز زندگی‌اش را تأمین کند، در سال ۱۴۰۱ هر فرد خانواده کارگری فقط می‌توانست ۲۴۰ کیلو کالری را تأمین نماید.

در واقع در سال ۱۴۰۱ حدود ۵۴ میلیون نفر از زحمتکشان کشور ماده برابر زیر خط فقر بودند و گرسنگی می‌کشیدند.

در سال ۱۴۰۲ وضعیت غمبارتر از سال گذشته است. «حداقل هزینه زندگی یک خانواده چهارنفره در دی‌ماه ۱۴۰۲ ماهیانه ۴۶ میلیون و ۴۰۰ هزار تومان می‌باشد. هزینه خوراکی یک خانواده در دی ماه ۱۴۰۲ برای ۱۸ قلم کالای اساسی حدود ۱۲ میلیون و ۳۶۰ هزار تومان می‌باشد.» (سایت بالاترین) این در حالی است که «حقوق پایه کارگران ۵,۳۰۷,۳۳۰ تومان و حداقل دریافتی ماهانه کارگران بدون سابقه و مجرد ۷,۳۰۸,۲۸۴ تومان می‌باشد.» این کارگر و خانواده سه نفری‌اش با مزایا در ماه ۱۱۰,۸۸۰,۰۰۰ تومان مزد دریافت می‌کنند (اگر کارفرما مزد آنها را بپردازد). در واقع در سال ۱۴۰۲، ۵۴ میلیون نفر از ۸۵ میلیون نفر مردم ایران زیر خط فقر قرار دارند.

محاسبات فوق مربوط به کارگران کشور ماست. دیگر زحمتکشان این مرز و بوم و اقشار پائینی طبقه متوسط نیز در همین سطح زیر خط فقر کشیده می‌شوند و یا شده‌اند.

«داده‌ها نشان می‌دهند که نرخ خط فقر در سال ۱۴۰۲ نسبت به سال ۱۴۰۱ با رشد بیش از ۶۸ درصدی مواجه شده و

وارداتی همین حجم از دارو را وارد می‌کردند، هزینه آن برای مردم ۴۰ میلیارد دلار افزایش می‌یافت.

امروز بورژوازی تجاری مدرن ایران اکثر مؤسسات دارو سازی این کشور را ورشکست کرده است. بیش از ۸۰ درصد حجم مصرفی داروی مردم از خارج وارد می‌شود. این شرکت‌ها ده‌ها میلیارد دلار سود می‌برند و مردم باید ۴۰ میلیارد دلار در سال برای سلامت خود هزینه کنند. مالیات ۲۰ تا ۳۰ درصد بر این واردات می‌تواند کل بودجه ایران را سامان دهد ولی دولت تصمیم گرفته است از همین چپاولگران و خونخواران ۱ درصد مالیات بستاند.

چرا چنین است؟ زیرا در ایران بورژوازی تجاری مدرن قشر حاکم است. این بورژوازی می‌خواهد از سطح تولید داخلی و کالاهای وارداتی به ایران اطلاع و بر آن کنترل کامل داشته باشد. این امر فقط می‌تواند با ایجاد یک مرکز، جهت تمرکز این اطلاع و کنترل تحقق یابد. بر مبنای این نیاز دولت (بورژوازی تجاری مدرن ایران) لایحه تشکیل وزارت بازرگانی را تقدیم مجلس کرد و مجلس آن را تصویب نمود.

با این تمرکز و کنترل، تمام مؤسسات تولیدی در صنعت و کشاورزی با گام‌های سریع ورشکست خواهند شد و به جای محصولات آن‌ها، محصولات خارجی وارد خواهد گردید. آنگاه این شرکت‌ها محصولات وارداتی را بدون وجود رقیب با قیمت‌های بالا عرضه خواهند کرد و مجبور به پرداخت آن خواهند بود. این روند، زحمتکشان را به نیستی و مرگ سوق خواهد داد.

برای رفع چنین دمل چرکینی باید ریشه دمل را سوزاند. باید رژیم بورژوازی را سرنگون نمود تا مردم از شر این معضلات پایان ناپذیر و گسترش یابنده خلاصی یابند.

برای تشکیل کنفرانس تدارک حزب
راستین کمونیست ایران مبارزه
ایدئولوژیک را علیه موانع تشکیل آن
محکم در دست گیریم

گروه هماهنگی برای تبادل تجربیات کارگران بین‌المللی بندر

حقوق کارگران، زندگی آبرومند و یک آینده مطلوب در مقدم‌ترین خط جبهه ایستاده‌اند. و ما می‌آموزیم تا به عنوان بخشی از طبقه کارگر بین‌المللی بیاندیشیم، احساس کنیم و عمل نماییم: در مبارزات اجتناب ناپذیر علیه صادرات سلاح از جمله برای اوکراین و جنگ غزه، تدارک غارتگرانه جنگ جهانی، رشد خطرناک به سمت فاشیسم و در فاجعه محیط زیست.

اول ماه مه برای ما کارگران بندر همیشه روزی است تا به آینده نظر افکنیم. ما به آزادی می‌نگریم، به یک زندگی بدون استثمار و ستم سرمایه‌داری؛ یک زندگی بدون سرمایه‌داران بندر، صاحبان کشتی، کنسرن‌های لجبستیکی، و ارگان‌های دولت و قدرتی که در خدمت آن‌ها عمل می‌کنند.

اغلب مواقع در جایی که هماهنگ کردن بندرها و بندرهای فراملی و همانگی آن‌ها ضروری است، مبارزات ما منفرد است. ما به پشتیبانی گسست ناپذیر، اطلاعات سریع و تبادل تجربیات مان محتاجیم. برای این امر خود را بین‌المللی سازمان می‌دهیم! بیایید با هر سیاست امپریالیستی، انشعاب محلی یا ملی، راسیسم و سوسیال شووینیسیم مقابله کنیم.

در اول ماه مه به خیابان بیایید!

زنده باد
انترناسیونالیسم پرولتاریائی

اول ماه مه ۲۰۲۴ - طبقه کارگر و مبارزه با فاشیسم

در مبارزه با دولت‌های حاکم و سرمایه‌داری جهانی در سالی که گذشت برمی‌شماریم:

هفدهم آپریل در اعتراض به سیاست‌های ریاضتی دولت، طبقه کارگر و

وضعیت کارگران را نسبت به سابق بهتر ترسیم می‌کند. وضعیت معیشت کارگران در زمان پهلوی اسف انگیز بود. کارگران مهاجر بی سرپناه، بدون امنیت اجتماعی فقط می‌توانستند با مزدی که می‌گیرند نهار ظهرشان را با نان و کواکولا ترتیب دهند.

در جمهوری اسلامی بنا به گفته جناب مردی، گرانی سرسام آوری گریبان زحمتکشان را گرفت. این درست است که مزدها بالا رفت ولی ایشان آگاهانه و مغرضانه تورم را زیر لحاف قایم می‌کنند. مزد ۵۰ هزار تومانی کارگر در سال ۱۳۹۸ با تورم ۶۳ درصدی همراه بود. در سال ۱۴۰۱ مزد کارگران با تورم ۱۰۷،۵۵ درصدی همراه بود و امروز بر مبنای داده‌های خود رژیم «تورم سال ۱۴۰۲ بر اساس اسناد بانک مرکزی: بیش از ۵۲ درصد...» بوده است (ایران اینترناشنال)

در نتیجه فقر زحمتکشان و اکثریت مردمان ایران از زمان رضا شاه تا به امروز ادامه دارد، فقری که هر روز عمیق‌تر و مرگبارتر گریبان این مردم ستم دیده را می‌فشارد.

لذا فقر در ایران فقر نهادینه شده است. فقری نیست که با بهتر و یا بدتر شدن اوضاع اقتصادی سیاسی ایران بهتر و بدتر شود. فقر در ایران هر روز گسترده‌تر و عمیق‌تر می‌شود. هیچ درمانی هم در این رژیم و یا هر رژیم سرمایه‌داری دیگری بر آن متصور نیست.

فقر در کشور ما یک فقر هندی‌ست؛ فقر با ثبات، لجوج، خانمان برفاکن و هم‌شه گسترش یابنده.

این فقر به کارگران و دیگر زحمتکشان می‌گوید اگر مرا نمی‌خواهید باید افکار واهی را بدور افکنید و خود را زیر پرچم کمونیسم متشکل کنید و سرمایه‌داری را به دور افکنید، فقر و سرمایه‌داری هر دو با هم روبیده می‌شوند.

انقلاب امر توده‌های میلیونی کار و زحمت است

تأمین درآمد برای طبقه متوسط و کارگر را سخت کرده است.» (سایت عصر ایران) به بیان دیگر بخشی از طبقه متوسط نیز زیر خط فقر زندگی می‌کنند. در این صورت بیان «نرخ فقر برای چندمین سال پیاپی در سال ۱۴۰۱ در حدود ۳۰ درصد قرار گرفته است. یعنی ۳۰ درصد از ایرانیان در زیر خط فقر قرار دارند.» (اقتصاد نیوز). فقط می‌تواند رژیم را تطهیر کند.

به جرأت می‌توان گفت که بیش از ۸۰ درصد مردم ایران زیر خط فقر زندگی می‌کنند. آنچه که گفته شد مقایسه خط فقر، درآمد کارگران و تورم در دو سه سال اخیر بود. ولی برای درک بیشتر ثبات فقر در ایران باید به تاریخ ۴۵ ساله جمهوری اسلامی ایران رجوع کرد.

«الان نسبت به قبل انقلاب به شدت گرانی وجود دارد اما باید با دستمزدها مقایسه شود. برای مثال یک عدد تخم مرغ قبل از انقلاب ۴ ریال بوده است الان ۴۰۰ تومان یا ۴ هزار ریال است. یعنی هزار برابر شده. یک عدد نان سنگک ۵ ریال بوده است و الان هزار یا ۱۵۰۰ تومان است یعنی دوهزار برابر شده است. یک کیلو گرم روغن نباتی در سال‌های پیش از انقلاب ۶۴ ریال بوده است، الان ۹۰ هزار ریال است.» (دنیای اقتصاد - محمد رضا مردی عضو هیأت علمی دانشگاه شهید بهشتی)

ایشان سپس همانجا می‌فرمایند: «افزایش قیمت‌ها بسیار زیاد بوده است اما باید همین را بر اساس دستمزدها هم مقایسه کنیم. دستمزد یک روز کارگر در پیش از انقلاب ۶۰ ریال بوده است اما دستمزد یک کارگر روزانه در سال ۹۸، ۵۰ هزار تومان است ... یک کارگری که ۶۰ ریال دستمزد داشته با این دستمزد چند نان سنگک ۵ ریالی می‌توانست بخرد؟ ۱۲ نان؛ اما همین کارگر امروز ۵۰ هزار تومان درآمد دارد و اگر نان را یک هزار و پانصد تومان در نظر بگیریم می‌تواند ۳۲ نان تهیه کند.» ایشان با همین بلاهت و دغلکاری

مجازی کارگران وکل شهروندان تهران را بار دیگر خشمگین نموده است.

این کمک هزینه ... در حالی صورت گرفته است که رانندگان و دیگر کارگران شرکت واحد سال‌هاست برای دریافت مطالبات قانونی خودشان از جمله مسکن و طرح طبقه بندی مشاغل فریاد می‌زنند.» (۱۷) اردیبهشت ۱۴۰۳ سندیکای کارگران شرکت واحد)

عکس‌العمل دولت در مقابل افشای فساد حکومتی و خواست به حق کارگران، فاشیسم عریان آقای مخیر مشاوری ریاست جمهوری کشور است که سودای به "دریا ریختن بازنشستگان" را در سر می‌پروراند.

طبقه کارگر ایران در شرایطی به پیشواز روز جهانی کارگر می‌رود که:

ده‌ها کارگر، کولبر و سوختبر جان خود را از دست داده یا مصدوم شدند، حوادث منجر به مرگ به نسبت شش ماه اول سال ۱۴۰۱، پنج درصد افزایش داشته است (علی عباسی). ۶۹ نفر (همگی مرد) در مازندران در اثر حوادث کار جان باخته‌اند...» (رادپو زمانه آبان ۱۴۰۲)

در مجموع در سال ۱۴۰۲ در حوادث ناشی از کار، دو هزار و ۱۱۵ نفر جان خود را از دست داده‌اند، که در مقایسه با مدت مشابه سال قبل ۱۱٫۳ درصد افزایش داشته است.

طبقه کارگر ایران در شرایطی به پیشواز روز جهانی کارگر می‌رود که: در سال گذشته بیش از ۲۰۰۰ اعتصاب و اعتراض را در کارنامه مبارزاتی خود ثبت کرده است. از سال ۱۳۹۶ گام‌های موثرتری در جهت سازمان‌یابی و جبهه واحدی برداشته و از شهریور ۱۴۰۱ از نظر ایدئولوژیک سیاسی گامی به پیش رفته است. لذا بیشتر از گذشته مورد تهاجم حاکمین و اپوزیسیون‌های مرتجع دیگر قرار گرفته است. این امر ضروری‌ست که مورد توجه کمونیست‌ها نیز قرار گرفته و بر پایه درک منافع طبقاتی پرولتری، بر تشنت فکری و پراکندگی تشکیلاتی خود غلبه کنند.

چین و ... دغدغه امروز و فردای پرولتاریای جهانی شده است.

۲۶ آوریل در اسرائیل نیروهای مسلح پلیس به دفتر حزب کمونیست این کشور (CPI) و جبهه دمکراتیک برای صلح و برابری یورش برده و چند نفر را دستگیر کردند. در بیانیه حزب کمونیست آمده است: پس از این حمله اوفر کاسیف نماینده پارلمانی حزب کمونیست اسرائیل گفت: «ما اجازه نخواهیم داد فاشیست‌ها ما را خاموش کنند.» او در حالیکه بر حاکمیت فاشیسم در اسرائیل صحه می‌گذارد، بر پایه فعالیت‌های عملی کمونیست‌ها و دیگر نیروهای مترقی، ادامه نبرد قطعی و پیگیر کارگران و زحمتکشان را در مبارزه با آن اعلام می‌کند.

یورش فاشیست‌ها در حالی انجام گرفت که تداوم تظاهرات هزاران و ده‌ها هزار نفری و تدارک برای برگذاری پرشکوه روز جهانی کارگر، دولتمردان را وحشت زده کرد.

در شرایط کنونی که اکثریت مطلق نیروی کار و زحمت در جهان حمایت خود را از ملت فلسطین اعلام کرده است، بایدن رئیس جمهور آمریکا دستور ارسال ۱۶ میلیارد دلار دیگر کمک نظامی را به دولت اسرائیل، ایالت خاورمیانه‌ایش، صادر می‌کند. این در حالیست که: بحران‌های اجتماعی و تضادهای درونی دولتمردان در آمریکا، دولت را مستعصل کرده است.

در حال حاضر در آمریکا، در صنعت اتومبیل سازی ۱۶ کارخانه در اعتصاب هستند. و «در بیش از ۱۰۰ مرکز آموزشی ... تظاهرات علیه جنگ و طرفداری از مردم فلسطین صورت گرفته است.» (نیویورک تایمز ۲۷ آوریل)

در ایران طبقه کارگر در شرایطی به پیشواز روز جهانی کارگر می‌رود که: «در روزهای اخیر با انتشار لیستی از مدیران شهرداری و سازمان‌های تابع شهرداری مبنی بر پرداخت کمک هزینه مسکن با مبالغ بالا و نجومی در فضای

زحمتکشان یونان، ۲۴ ساعت کشور را فلج کردند، و این مبارزات، متروها، قطارهای شهری و بین شهری، خطوط کشتیرانی، بهداشت و آموزش، ... را دربر گرفت.

هشتم آوریل هزاران لوکوموتیوران در انگلستان برای اخذ دستمزد بیشتر و شرایط مناسب‌تر محیط کار دست به اعتصاب زدند. نهم آوریل هزاران کشاورز ایتالیایی بر علیه سیاست‌های اتحادیه اروپا در رابطه با مواد خوراکی اعتراضات وسیعی را آغاز کرده‌اند. کارگران نساجی بنگلادش که اکثر آنان را زنان تشکیل می‌دهند در اعتراض به شرایط بردگی در محیط کار با مزد ناچیز، از کار دست کشیده، خیابانها را سنگر بندی کرده، در مقابل حملات پلیس دلاورانه از خود دفاع کردند. اعتراضات ۶ هفته‌ای کارگران کارخانجات اتومبیل‌سازی در ایالات متحده آمریکا، تظاهرات میلیونی در هند، دلاوریهای فاشیستی آمریکای جنوبی و ... نمایش گوشه‌ای از مبارزات پرولتاریای بین‌المللی است

در سالی که گذشت، به موازات چرخش بیشتر دولتها به راست و بعضاً استقرار فاشیسم، مبارزات ضد امپریالیستی و ضد فاشیستی طبقه کارگر رشد و گسترش قابل توجهی از خود نشان داد. در اکراین، زیر بمباران روسها تشکلهای ضد فاشیستی بسیاری نشو و نما کردند. «ولادیمیر زلنسکی، رئیس جمهوری اوکراین فعالیت ۱۱ حزب را ممنوع اعلام کرده است.»

پرولتاریا و زحمتکشان در جهان به موازات مبارزه با استعمار، علیه جنگ‌های ناعادلانه امپریالیستی نیز خود را فعالانه سازمان می‌دهند. مبارزه علیه گسترش ناتو به سرکردگی آمریکا، ادامه تجاوز امپریالیسم روسیه به اکراین، حملات نظامی رژیم فاشیستی ترکیه به مناطق کرد نشین، پایان دادن به درگیریها در آفریقا از جمله کنگو و سودان، حل مسئله یمن، منازعات آمریکا و چین به خصوص مسئله تایوان و دریای جنوب

وحشتناک "نیست؟ اما نکته‌ای مهم‌تر در این بخش از نقل قول نهفته است. پس سوم این که بر مبنای اقرار شخص تروتسکی، او با اپوزیسیون خارج از کشور در آن زمان - ۱۹۲۶ - رابطه‌ی محکمی داشته است و «دفتر سیاسی بیم داشت «که آن» رابطه محکم‌تر «شود. گویند، دروغگو کم حافظه است و این گفته درباره تروتسکی نیز صادق است که بعداً تلاش کرد، ارتباط خود با اپوزیسیون خارج از کشور را غیر واقعی اعلام کند. هر کودک دبستانی می‌داند که تفاوت کلمات، «محکم و» «محکم تر» در چیست و مسلماً تروتسکی نیز که با ادبیات آشنائی زیادی داشته به تفاوت معنائی این دو کلمه آگاه بوده است. او ناخواسته اقرار می‌کند. در آن زمان، اپوزیسیون خارج از کشور شامل عناصر گارد سفید، منشویک‌ها، کادتها و سایر عناصری می‌شد که علیه انقلاب جنگیده یا توطئه کرده بودند. تروتسکی با کدام یک از این‌ها به قول خود، رابطه محکم "داشته است؟ از جمله می‌توان از بوریس ساوینکف، سوسیال رولوسیونر تروریست که در خدمت سازمان جاسوسی انگلستان درآمده و در تماس و همکاری مستقیم با سیدنی ریلی، جاسوس کار کشته انگلیسی در شوروی، بود، نام برد. وینستون چرچیل که در آن زمان، از کسانی بود که مستقیم و غیر مستقیم در تلاش سرنگونی شوروی، دستی در کار داشت در کتاب خود تحت عنوان، «بزرگان معاصر» می‌نویسد: «در ژوئن ۱۹۲۴ کامنف و تروتسکی با پافشاری از او (ساوینکف) خواستند، که به روسیه بازگردد». ساوینکف به شوروی رفت، ولی دستگیر شد. تروتسکی هم چنین با یاکوب بلیومکین، شخصی که گراف میرباخ، سفیر آلمان در شوروی را در سال ۱۹۱۸ ترور کرد تا از قرارداد صلح با آلمان جلوگیری و جنگ ادامه پیدا کند، ارتباط فشرده داشت. بلیومکین در زمان اقامت تروتسکی در ترکیه، محافظ

ارتباط با ما

coiran21@gmail.com

در صورت توافق با این خط مشی، با سازماندهی هسته‌های مخفی به ما پیوندید

تحریف تروتسکیستی رویدادهای تاریخی

یکی از کارمندان پلیس به اتاق من آمد و به کرسینسکی گفت، پلیس به علت این که خبر توطئه سوء قصدی را شنیده، به این اقدامات امنیتی دست زده است... با کرسینسکی قرار گذاشتم که فوراً به ساختمان وزارت مختار شوروی منتقل شوم. پلیس، راه خیابان جلو کلینیک را بسته بود. موقع انتقال، اتومبیل‌های پلیس همراه من بودند». از این نقل قول، می‌توان به سه مورد بحث برانگیز اشاره کرد. یکم: بنا بر ادعای تروتسکی در مورد سوء قصد به وی از طریق گارد سفید، که هیچ گاه چگونگی آن روشن نشد، چه علتی ضرورت ترک کلینیک را و حرکت فوری به همراهی پلیس آلمان را ایجاب می‌کرد. محافظت در بیمارستان نیز امکان داشت. آیا مذاکرات محرمانه با مأموران امنیتی آلمان در حال حرکت به سوی وزارت مختار شوروی، به دور از چشم اغیار از جمله پزشکان و پرستاران و کارمندان سفارت شوروی، یکی از علل این تغییر فوری محل بوده است؟ دوم اینکه: تروتسکی در همان سال و پیش از آن، به وجود شدید «خفقان وحشتناک» «زندگی من» در شوروی اشاره دارد. این چگونه «خفقان وحشتناک» است که بزرگترین دشمن حزب و کمیته مرکزی، اجازه می‌یابد به خارج از کشور مسافرت کند و «در خارجه با اپوزیسیون سیاسی رابطه‌ی محکم‌تری برقرار «سازد؟ آیا همین نقل قول از تروتسکی نشانی از چرند گویی او در مورد «خفقان

مبارزه علیه سرمایه‌داری
فاشیستی داخلی جدا از مبارزه
علیه امپریالیسم نیست

نامه رسول بدائی معلم زندانی از زندان
اوین برای توماج صالحی

اندیشه‌ی من باز شده، اندیشه‌ای که هیچ میز و نیمکت و تخته سیاهی ندارد، و آن آموزگاری اراده‌هاست. آموزگاری باورهای انسانی، آموزگاری ارزشی به نام «بی ارزشی باورهای کور». بی ارزشی برتری جویی، تکبر، خودستایی، خودکامگی، بدتر از همه «بی ارزشی تقلید و مداحی، برای شکم پارگی و مداحی برای نان». «توماج دلآور، بسیار دیده‌ام، دانش آموزانی که معلم، معلمان خود بوده‌اند. در میان شاگردان خود آموزگاران بسیاری دیده‌ام که نه با زبان، نه با کتاب، نه با فیلم و نمایش، بلکه با نگاه، با نظم، با عزت نفس، با اراده، حتی با اشک، به هزاران شیوه آموزگارم بودند. اما تو بدون تخته سیاه، بدون مدرسه و میز و نیمکت، آموزگار اراده بوده‌ای، برای من و برای هزاران آدم باانصاف. توماج عزیز سرزمین ما هنوز پرورش دهنده انسان‌های آزاده‌ای مانند؛ گاندی، نلسون ماندلا، بی‌بی مریم، ژاندارک، ستارخان، مصدق، چگوارا، مارتین لوترکینگ، کالوین، سارتر، فرخی یزدی، سردار اسعد، میرزا رضا، کاوه آهنگر و میلیون‌ها آزاده جان برکف است، که مرگ را به بردگی ترجیح می‌دهند. دیر نیست روزی که ابرهای سیاه خودکامگی، از آسمان ایران زدوده شود. همزاد توفان، پنجه در پنجه این بیدادیم در بزم ستم، حنجره تا حنجره فریادیم

مبارزه برای آزادی کلیه زندانیان سیاسی را با مبارزه جهت سرنگونی رژیم سرمایه‌داری ایران همراه کنیم.

سرنگون باد رژیم سرمایه‌داری جمهوری اسلامی ایران

از اعترافات کرسینسکی که درباره خیانت‌های خودش و تروتسکی در دهه سی سی می‌باشد، آورده شده است. ادامه دارد

ارتباط با ما
coiran21@gmail.com

در صورت توافق با این خط مشی، با سازماندهی هسته‌های مخفی به ما بپیوندید

نای آزادی کند چون نی نوای انقلاب

نای آزادی کند چون نی نوای انقلاب باز خون سازد جهان را نینوای انقلاب انقلاب ما چو شد از دست ناپاکان شهید نیست غیر از خون پاکان خون‌بهای انقلاب اندرین طوفان خدا داند که کی غالب شود ناخدای ارتجاعی یا خدای انقلاب تا تو را در راه آزادی تن صد چاک نیستی در پیش یاران پیشوای انقلاب با خط برجسته در عالم علم گردد بنام آنکه بگذارد به دوش خود لوای انقلاب گر رهد دستم ز دست این گروه خودپرست با فداکاری گذارم سر به پای انقلاب دل چه می‌خواهم نباشد در حدیث عشق دوست جان چه کار آید نگردد گر فدای انقلاب فرخی یزدی



را به خود گرفت. ما ضمانتی شفاهی نیز در رابطه با قراردادهای پس از یک جنگ احتمالی در آینده را هم داده و به گرفتن کمک مالی ادامه دادیم. از سال ۱۹۲۳ تا ۱۹۳۰ ما سالانه ۲۵۰ هزار مارک طلا و در مجموع ۲ میلیون مارک طلا دریافت کردیم». کرسینسکی اعترافات خود را چنین ادامه می‌دهد: «از پایان ۱۹۲۷ تا پایان ۱۹۲۸ تقریباً به مدت ده ماه در جریان پرداخت پول، به دلیل این که تروتسکیسم شکست خورده بود و من منزوی شده بودم، وقفه ایجاد شد. چیزی در مورد نقشه‌های تروتسکی نمی‌دانستم و دستورالعمل و اطلاعات جاسوسی نیز از او دریافت نکردم. این جریان تا اکتبر سال ۱۹۲۸ ادامه پیدا کرد، تا این که من نامه‌ای از تروتسکی که در آن زمان در آلمان در تبعید به سر می‌برد، دریافت کردم... این نامه حاوی دستورالعمل‌های تروتسکی بود. بر اساس آن‌ها من می‌باید پول را از آلمانی‌ها دریافت کرده و سپس به من پیشنهاد داده بود که آن‌ها را یا به مسکو منتقل کنم و یا به رفقای فرانسوی او، رومر، مادلین پاز و دیگران بدهم. من با ژنرال فون زکت تماس گرفتم. ژنرال فون زکت در آن زمان از کار خود کناره‌گیری کرده بود و هیچ مسئولیتی در هیچ زمینه‌ای نداشت. او تمایل نشان داد که با هم‌راستایان صحبت کرده و پول را فراهم آورد. در آن زمان هم‌راستایان ریاست کل قوای نظامی را به عهده داشت.» در بخش پیشین مواردی دیگر

مخصوص وی بود و از طرف تروتسکی برای ترور و خرابکاری روانه شوروی شد که به هنگام ورود مخفیانه، شناسائی و در تیراندازی کشته شد. بازگردیم به ادامه موضوع اصلی. کرسینسکی در مورد قرارداد با آلمان، از جمله چنین گفت: «در آن زمان برای ما دریافت پول به صورتی مرتب امری عادی شده بود. این پول‌ها خرج سازماندهی تشکیلات و تکثیر کتاب‌ها و غیره و غیره... تروتسکیست‌ها که در کشورهای مختلف فعالیت داشتند، می‌شد. در سال ۱۹۲۸ زمانی که مبارزه‌ی تروتسکیست‌ها در همه‌ی زمینه‌ها، چه در مسکو و چه در میان گروه‌هایی مشابه آن، علیه رهبری حزب به اوج خود رسیده بود، زکت پیشنهاد داد که اطلاعات جاسوسی، که تا آن زمان نه به صورتی دائمی، بلکه به صورتی نامنظم، برای او فرستاده می‌شد، باید نظم بیشتری به خود گرفته و با در نظر گرفتن زمان‌های معین به او ارسال شود، و در ادامه، دولت تروتسکی باید متعهد شود که اگر... قدرت را به دست آورد، باید قبل از هر چیز نه تنها منافع دولت سرمایه‌داری آلمان را در مورد دادن امتیاز و اجازه‌ی فعالیت شرکت‌های آلمانی، بلکه باید در مورد قراردادهای از نوع دیگر نیز در نظر گیرد. پس از این که من با تروتسکی مشورت کردم، به ژنرال زکت جوابی مثبت داده و پس از آن مبادله‌ی اطلاعات میان ما از حالت پراکندگی سابق درآمده و شکل منظم‌تری

شیوه تفکر یک خرده بورژوا: خرده بورژوا جزو دوزیستان است. همانند قورباغه یک پا در آب بورژوازی دارد و یک پا در زمین پرولتاریا. از هر دو محیط ناراضی‌ست. به همین دلیل همیشه سهل انگار تنبل ولی پر مدعاست. او وقتی راضی میشود که به پول هنگفت و مقامی (هر مقامی) رسیده باشد.

پرولتاریای جهان متحد شوید!

آزادخواهان مترقی متحد شوید!
در سمت پیوند با طبقه کارگر بکوشیم!
حزب کمونیست راستین ایران را به وجود آوریم!
تروتسکیسم را از صفوف خود طرد کنیم!
به پیش در سمت ایجاد شوراهای کارگران و تهیدستان!
پیروز باد دیکتاتوری پرولتاریا
پیروز باد دولت شورائی کارگران و تهیدستان